

Intentionality and the early stages of phenomenology

Phenomenology begins with Husserl who was the core figure in the development of phenomenology as a modern movement. It is important, however, to trace the earlier history of phenomenology in the influence of Franz Brentano (1838–1917) on the work of Husserl. Brentano was part of the preparatory phase of this movement (Cohen *et al.*, 2000). One of the main themes of phenomenology is the concept of *intentionality*. Husserl takes this term from Brentano though he does not use it in the same way. Giorgi (1997: 237) describes the notion of intentionality as Husserl sees it. In Husserl's work, intentionality is 'the essential feature of consciousness' which is directed towards an object. When human beings are conscious, they are always conscious of something. Consciousness in phenomenology relates to the person's consciousness of the world (Langridge, 2007) This critical statement concerning the notion of intentionality shows the complexity of any attempt to define the act of conscious thought. In the human sciences, according to Giorgi, consciousness overcomes the dilemma of the subject–object debate, the mind–body relationship which is understood holistically and structurally. Philosophers, psychologists and natural scientists, including doctors and psychiatrists, neither agree nor have firmly established what exactly consciousness is, or what is the true relationship between mind and body. The ideas presented in this chapter cannot resolve the mind–body problem. However, it is useful to note that phenomenology is, in fact, one approach that attempts to do this. Priest places phenomenology within mind–body theories arising from the following:

- Descartes' dualism which separates mind and body.
- So called logical behaviourism: this is a belief that everything concerns behaviour.
- Notions of idealism: all that exists can be explained in terms of the mind.
- Materialism: everything in the universe can be explained in terms of matter.

- Functionalism: everything is a kind of cause and effect. The mind is given a stimulus and responds physically or behaviourally.
- So-called 'double aspect theory': the physical and mental are, in fact, merely aspects of something else, another reality, outside notions of the mental and the physical.
- The phenomenological view: this is an attempt to describe lived experiences, without making previous assumptions about the objective reality of those experiences.

هدفمندی و مراحل اولیه پدیدارشناسی

پدیدارشناسی با هوسرل آغاز می شود که شخصیت اصلی در توسعه پدیدارشناسی به عنوان یک جنبش مدرن بود. با این حال، مهم است که تاریخ اولیه پدیدارشناسی را در تأثیر فرانتس برنتانو (۱۸۳۸-۱۹۱۷) بر کار هوسرل دنبال کنیم. برنتانو بخشی از مرحله مقدماتی این جنبش بود (کوهن و همکاران، ۲۰۰۰). یکی از مضامین اصلی پدیدارشناسی، مفهوم قصدی بودن است. هوسرل این اصطلاح را از برنتانو گرفته است، اگرچه او آن را به همان شیوه به کار نمی برد. گیورگی (۱۹۹۷: ۲۳۷) مفهوم قصدی بودن را همانطور که هوسرل می بیند، توصیف می کند. در آثار هوسرل، قصدی بودن «ویژگی اساسی هوشیاری» است که به سمت یک شی معطوف می شود. وقتی انسان هوشیار باشد، همیشه از چیزی آگاه است. هوشیاری در پدیدارشناسی به آگاهی فرد از جهان مربوط می شود (لنگریچ، ۲۰۰۷). این بیانیه انتقادی در مورد مفهوم قصدی بودن، پیچیدگی هر تلاشی برای تعریف عمل فکر آگاهانه را نشان می دهد. به گفته گیورگی، در علوم انسانی، آگاهی بر مسئله چالش برانگیز مباحثه فاعل-مفعول، رابطه ذهن و بدن که به طور کلی و ساختاری درک می شود، غلبه می کند.

فیلسوفان، روانشناسان و دانشمندان علوم طبیعی، از جمله پزشکان و روانپزشکان، نه موافق هستند و نه به طور قاطع ثابت کرده اند که آگاهی دقیقاً چیست، یا رابطه واقعی بین ذهن و بدن چیست. ایده های ارائه شده در این فصل نمی توانند مشکل ذهن و بدن را حل کنند. با این حال، ذکر این نکته مفید است که پدیدارشناسی در واقع

رویکردی است که سعی در انجام این کار را دارد. روحانی پدیدارشناسی را در نظریه های ذهن-بدن قرار می دهد که از موارد زیر ناشی می شود:

دوگانه گرایی دکارت که ذهن و بدن را از هم جدا می کند.

به اصطلاح رفتارگرایی منطقی: این اعتقادی است که همه چیز به رفتار مربوط می شود.

• مفاهیم ایده آلیسم: همه آنچه وجود دارد را می توان بر اساس ذهن توضیح داد.

• ماتریالیسم: همه چیز در جهان را می توان بر اساس ماده توضیح داد.

• کارکردگرایی: همه چیز نوعی علت و معلول است. به ذهن یک محرک داده می شود و به صورت فیزیکی یا

رفتاری پاسخ می دهد.

• به اصطلاح « نظریه دوجنبه‌ای»: در واقع جسم و ذهن صرفاً جنبه‌هایی از چیز دیگری هستند، واقعیتی دیگر،

خارج از تصورات ذهنی و فیزیکی.

• دیدگاه پدیدارشناختی: این تلاشی است برای توصیف تجربیات زیسته، بدون پیش فرض های قبلی در مورد

واقعیت عینی آن تجربیات